



سیاست‌ها در تخصیص ارز اصلاح شود

کمیسیون‌های اقتصاد و صنایع و معادن مجلس همراه با مسئولان دولتی روندها و سیاست‌ها در تخصیص ارز را اصلاح کنند. به گزارش ایرنا، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس گفت: در برنامه هفتم توسعه رشد ۲۳ درصدی صادرات غیرنفتی در نظر گرفته شده که برای تحقق آن عرضه و تقاضای ارز باید اصلاح شود. میزان عرضه و تقاضا در کشور مشخص است و آن میزان که تقاضا در کشور وجود دارد، به آن میزان ارز مورد نیاز وجود ندارد. او افزود: باید این حوزه و سیاست‌های این بخش اصلاح شود که این موضوع خواست مجلس و دولت است. از طرفی در بعضی از فهرست‌های تخصیص ارز، از ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی به کالاهایی داده شده که نباید این تخصیص صورت می‌گرفت. در برنامه هفتم در بند (پ) ماده (۴)، گفته شده که سیاست‌ها به نوعی تنظیم شود که امکان بیش‌ازحد اظهاری در واردات و کم‌اظهاری در صادرات وجود نداشته باشد اما این موضوع یکی از مشکلات کشور است یعنی سیاست‌ها به نحوی اعمال می‌شود که انگیزه به واردات داده می‌شود و انگیزه صادرات کم می‌شود.

عکس: ایرنا



سازمان امور مالیات کشور

پرداخت ۷۳ هزار میلیارد تومان عوارض

در نیمه نخست امسال ۷۳ هزار و ۷۶۲ میلیارد تومان عوارض با هدف توسعه و آبادانی کشور به حساب شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و فرمانداری‌ها و ادارات کل امور عشایر سراسر کشور واریز شده است. به گزارش ایرنا از سازمان مالیاتی، در شش ماهه اول امسال ۵۱۲ هزار و ۶۵۹ میلیارد تومان درآمد مالیاتی وصول شده است که نسبت به دوره مشابه سال قبل ۴۹ درصد رشد داشته است. براساس اعلام این سازمان، از محل وصول درآمدهای مالیات و عوارض ارزش افزوده در شش ماهه اول سال ۱۴۰۳ بالغ بر ۷۳ هزار و ۷۶۲ میلیارد تومان مالیات و عوارض به حساب شهرداری‌ها، دهیاری‌ها، فرمانداری‌ها و ادارات کل امور عشایر سراسر کشور جهت توسعه و آبادانی کشور واریز شده است.



کاهش تورم تولیدکننده با سیاست‌های بانک مرکزی

آمارها نشان می‌دهد که سیاست ارزی توانسته است تورم تولیدکننده را کنترل کند و کاهش دهد. به گزارش ایسنا، محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی گفت: سیاست ارزی به طور کلی باید در خدمت شاخص‌های اقتصاد کلان باشد یعنی اگر ما در ارز مقرراتی وضع می‌کنیم برای این است که می‌دانیم ارز یک متغیر بسیار مهم است و باید ارزش پول ملی را حفظ کنیم. او با تأکید بر اینکه آنچه که در بانک مرکزی در خصوص سیاست‌های ارزی در حال انجام است، از لحاظ میدانی متناسب با آن چیزی است که باید در بسیاری از مجموعه متغیرهای کلان دنبال شود، عنوان کرد: سه وزارتخانه داریم که در تخصیص ارز نقش اساسی دارند که عبارتند از وزارتخانه‌های صمت در زمینه تخصیص کالاهای صنعتی، وزارت جهاد کشاورزی در زمینه تخصیص کالاهای اساسی خوراکی و وزارت بهداشت و درمان. در بانک مرکزی با ارز سر و کار داریم و اینکه ارز به چه کالایی تخصیص داده می‌شود قاعداً وظیفه تخصصی دستگاه‌های مربوطه است. این موضوع در قانون بودجه نیز دیده شده است که کمیته‌ای زیر نظر معاون اول تشکیل شود تا در فرایند تأمین و تخصیص ارز نظارت لازم را داشته باشد.



سقوط صرفه تولید

بررسی ۲۳ گروه صنعتی از افت شدید سودآوری ۱۶ گروه حکایت دارد



علی ایوبی

گزارشگر هم‌میهن

آمار و ارقامی که این روزها از دوران اقتصادی دولت سیزدهم عنوان می‌شود نشان از این دارد که برخلاف نظرات تیم اقتصادی آنها که اعداد و ارقام را رو به بالا نشان می‌دادند، بسیاری از درصدها به شکل معناداری منفی بوده است. به‌تازگی جدولی از درصد تغییر سالانه سود خالص دلاری منتشر شده که نشان می‌دهد در سه سال دولت سیزدهم بخش صنعت با افت شدید سودآوری مواجه بوده‌اند. هرچند صناعی مانند لاستیک از رشد منفی ۶۰ درصدی در زمستان سال ۱۴۰۰ به رشد مثبت ۱۷۵ درصدی در زمستان سال ۱۴۰۲ رسیده‌اند و یا صنعت مواد شوینده از منفی ۲۸

به مثبت ۸۰ رسیده اما آمارهای عجیب و بدی نیز در مورد صنایع دیگر وجود دارد؛ مثلاً در بخش صنعت اوره از مثبت ۷۶ درصد در همان بازه زمانی آماري به منفی ۵۵ درصد رسیده‌اند و یا صنایع لبنی از ۶۶ درصد به منفی ۲۸ درصد رسیده‌اند.

برخلاف آنچه مدافعان دولت سیزدهم از اسب زین کرده اقتصاد می‌گویند از شرایط مثبت خبری نیست. در نیمه خرداد امسال و در روزهای پایانی عمر دولت قبل گزارشی در خبرگزاری ایرنا منتشر شد که اعلام می‌کرد دولت سیزدهم با سیاست‌گذاری‌های کلان و احیای بخش صنعت موفق شد شاخص‌های بخش صنعت را نسبت به دولت‌های گذشته رشد سه برابری بدهد که این منجر به بهبود وضعیت اقتصادی شد. براساس آمار این گزارش با روی کار آمدن دولت سیزدهم و اقدامات در سطح کلان اقتصادی در حمایت از بخش صنعت تغییرات شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت نسبت به سال قبل (تورم سالانه)

در سال ۱۴۰۲ به ۲۹/۹ درصد رسید که در مقایسه با سال قبل (۳۱/۷ درصد)، ۱/۸ واحد درصد کاهش داشته است. همچنین طبق آمارهای بانک مرکزی متوسط رشد فصلی بخش صنعت از ابتدای دولت سیزدهم تا پایان پاییز ۱۴۰۲ بالغ بر ۶/۷ درصد بوده است در حالی که متوسط رشد بخش صنعت در هشت سال دولت‌های یازدهم و دوازدهم فقط ۲ درصد گزارش شده است و این یعنی دولت سیزدهم سه برابر دولت یازدهم به موضوع رشد شاخص‌های بخش صنعت پرداخته است. براساس این آمار رشد بخش صنعت در هشت سال دولت گذشته در ۱۲ فصل منفی شده بود اما در ۹ فصل دولت رئیسی به‌طور مداوم مثبت بوده است.

یا مرکز آمار ایران و بانک مرکزی در گزارشی اعلام کردند که رشد تولیدات صنعتی از ۳/۳ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۹/۵ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است که رشد ۲/۹ برابری را نشان می‌دهد که حدنصاب جدیدی در ۱۰ سال گذشته بوده است و یا سهم بخش صنعت از ۲/۱ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۷/۷ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است و رشد شاخص‌های بخش صنعت نقش بسزایی در سهم ۳۳/۷ درصدی اشتغال داشته است.

اما در کنار این آمار، رقم‌هایی از کاهش سودآوری صنایع مختلف محاسبه می‌شود که بی‌ربط به سیاست‌های دولت و حتی خاموشی‌های مکرر در تابستان و زمستان نیست. بنابراین آنچه از رشد‌های اعلامی می‌توان دریافت که این رشد‌ها صرفاً به دلیل پر شدن ظرفیت‌های خالی شده ناشی از کرونا بوده و صنایع در شرایط خوبی به سر نمی‌برند. دولت قبل بودجه امسال را با کسری حداقل ۶۰۰ هزار

سیزدهم و همچنین افزایش نرخ بهره و افزایش قیمت ارز، بازار سرمایه را کاملاً قفل کرد. همچنین سرمایه در گردش بنگاه‌ها نیز به شدت کاهش پیدا کرد و جالب آنکه به‌رغم اینکه افزایش نرخ ارز باید اثرات مثبت خود را در صورت‌های مالی شرکت‌ها نشان داد. دخالت دولت در شرکت‌های شبه‌دولتی کاملاً واضح و حاکم بود. اقتصاد دستوری نیز شرکت‌ها را با شرایط سختی مواجه کرده بود و دولت دست خود را در جیب شرکت‌های غیردولتی کرده بود. متأسفانه حدود ۷۰ درصد از شرکت‌های فعال در بازار سرمایه مثل شرکت‌های فولادی، مس، پتروشیمی‌ها و پالایشی‌ها شبه‌دولتی هستند، و دولت به دلیل مشکلات مالی که با آن مواجه بود به شکل‌های مختلف نرخ‌ها را دستکاری کرد تا بتواند منابعی را از این شرکت‌ها مثل خوراک پالایشی‌ها به دست بیاورد و می‌توان آن را به نوعی دست‌درازی در جیب شرکت‌ها دانست که سودآوری بنگاه‌های تولیدی را در بازار سرمایه به شدت تحت تأثیر قرار داد.

چرا برنام‌های وزارت اقتصاد دولت قبل نتوانست شرایط اقتصادی کشور را بهبود بخشد؟

برداشت من این است که بازار سرمایه در یک شرایط رهاشدگی قرار داشت. از دستکاری مکرر نرخ‌ها گرفته تا پیش‌بینی ناپذیری اقتصاد ایران، خود را در صورت‌های مالی شرکت‌ها نشان داد. دخالت دولت در شرکت‌های شبه‌دولتی کاملاً واضح و حاکم بود. اقتصاد دستوری نیز شرکت‌ها را با شرایط سختی مواجه کرده بود و دولت دست خود را در جیب شرکت‌های غیردولتی کرده بود. متأسفانه حدود ۷۰ درصد از شرکت‌های فعال در بازار سرمایه مثل شرکت‌های فولادی، مس، پتروشیمی‌ها و پالایشی‌ها شبه‌دولتی هستند، و دولت به دلیل مشکلات مالی که با آن مواجه بود به شکل‌های مختلف نرخ‌ها را دستکاری کرد تا بتواند منابعی را از این شرکت‌ها مثل خوراک پالایشی‌ها به دست بیاورد و می‌توان آن را به نوعی دست‌درازی در جیب شرکت‌ها دانست که سودآوری بنگاه‌های تولیدی را در بازار سرمایه به شدت تحت تأثیر قرار داد.

بارها دیدیم که نرخ خوراک پالایشی‌ها چندین بار دستکاری شد و ریسک بالایی را به بازار تحمیل کرد. در شرایط رهاشدگی بازار امکان تأمین مالی شرکت‌ها از بازار سرمایه مقدور نبود، زمانی ارزش معاملات بازار سرمایه بالای ۲۵ هزار میلیارد تومان بود اما اکنون به زیر ۳ هزار میلیارد تومان رسیده و به شدت کاهش پیدا کرده است و شرایطی به وجود آمد که امکان تأمین منابع مالی برای بنگاه‌های بازار سرمایه از کانال بورس فراهم نبود. بازار سرمایه در این سه سال شرایط بدی را طی کرد و متأسفانه صدای سهامداران خرد نیز به جایی نرسید و گویی مسئولی در بازار سرمایه وجود ندارد. نگرانی من در دولت قبل این بود که اصولاً گوش شنوایی وجود نداشت و این یکی از بزرگترین مصیبت‌ها در اداره اقتصاد است.

در دولت چهاردهم به جز رئیس بانک مرکزی بقیه تیم اقتصادی

وحید شقاقی شهری اقتصاددان:

بازار سرمایه در دولت قبل رها شده بود

آماری که در رشد اقتصادی اعلام می‌شود واقعیت اقتصاد کشور نیست. واقعیت دولت سیزدهم این نبود که آقای فرزین به‌عنوان رئیس بانک مرکزی در یک گزارش «به به» ارائه داد که همه اوضاع گل و بلبل است، بلکه این گونه نبود و به دلایلی صادرات نفت ایران افزایش پیدا کرد که یکی از آنها جنگ اوکراین و روسیه بود و امتیازاتی که آمریکایی‌ها به ایران و ونزوئلا دادند تا تعادل در بازار انرژی جهان حفظ شود و تا حدودی از تحریم‌های نفتی کاسته شد. بعد از افزایش صادرات نفت ایران، درآمدهای ارزی بیشتر شد که سرریز آن خود را در بخش صنعت و معدن مانند واردات مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای نشان داد ولی این در حقیقت حضور پول نفت در بخش صنعت و معدن بود و نه حاصل بهبود وضعیت شرکت‌های تولیدی.

آماری که بنده بررسی کردم نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۲، حاشیه سود خالص شرکت‌های تولیدی ۱۳ درصد شده است در حالی که در سال ۱۴۰۱، این عدد بالای ۳۰ درصد بود و این یعنی یک افت چشمگیر در سودآوری شرکت‌ها رخ داده است. بخش عمده‌ای از شرکت‌های مهم و کلیدی کشور با رشد منفی سودآوری مواجه شده‌اند؛ به‌خصوص شرکت‌هایی مانند پتروشیمی زاگرس که نماد سودآوری در اقتصاد ایران در ۱۰ سال گذشته هستند اما در دو سال اخیر آنجا نیز با رشد منفی مواجه شد. سیاست‌های پولی انقباضی بسیار سختگیرانه بانک مرکزی در دولت



در دولت سیزدهم عنوان شد که در صنعت رشد سه برابری نسبت به دولت حسن روحانی داشتیم. اگر این چنین بوده پس چرا آمارها چیز دیگری می‌گویند؟

واقعیت این است که در دولت قبل اقداماتی انجام گرفت که اقتصاد قفل شد، دماسنج اقتصاد بورس است و برای دیدن واقعیت اقتصاد باید به سراغ شرکت‌های بازار سرمایه رفت؛

نگاه کارشناس